

تفسير احمد

سوره كوثر



Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمه و تفسير سوره كوثر
تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مهتم و ديزاين: الحاج سليم عابد « پيمان »

سورة الكوثر

سورة الكوثر

سورة «الكوثر» در «مکه مکرمه» نازل شده و دارای 3 آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۲) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)
ترجمه ی آیات:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

« إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ » (1) (ای پیامبر) به راستی که ما به تو کوثر عطا کردیم.

« فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ » (2) (پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن)

« إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ » (3) (بدون شک دشمن تو، بریده نسل و بی عقب است.)

معلومات موجز:

این سوره در مکه مکرمه نازل شده و از جمله سوره های مکی بشمار می رود. سوره کوثر دارای (1) رکوع، و (3) سه آیت، و (11) یازده کلمه، و (37) سی و هفت حرف، و (18) نقطه میباشد که از کوچکترین سوره های قرآن کریم بشمار می رود. این سوره به قول مشهور و قول جمهور مفسران، طوریکه یاد آور شدیم از جمله سوره های مکی است. ولی حسن، عکرمه و قتاده گفته اند که سوره کوثر مدنی است، که البته رأی این کثیر نیز همین است.

معانی کلمه ها :

« إِنَّا » به درستی ما

« أَعْطَيْنَاكَ » عطا کردیم ما تو را

« الْكَوْثَرَ » خیر کثیر، حوض کوثر

« فَصَلِّ » پس نماز بگزار

« لِرَبِّكَ » برای پروردگار خویش

« وَانْحَرْ » و قربانی کن

« إِنَّ » همانا، به درستی که

« شَانِئَكَ » دشمن تو ، بدخواه تو

« هُوَ الْأَبْتَرُ » او نسل بریده یا دم بریده است.

علل نام گذاری سوره کوثر:

در مورد اینکه چرا این سوره به نام «الکوثر» مسمی گردیده است رای اکثر مفسرین بر این است که آغاز و افتتاح آن به: « إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ » گردیده است.

وجه تسمیه:

در مورد وجه تسمیه این سوره در حدیثی که از انس بن مالک (رض) روایت گردیده آمده

سورة الكوثر

است : « أَعْفَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِغْفَاءَةً ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ مُتَبَسِّمًا فَأَمَّا قَالَ لَهُمْ ، وَإِمَّا قَالُوا لَهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ لَمْ ضَحَكْتَ ؟ فَقَالَ : إِنَّهُ أَنْزَلَتْ عَلَيَّ أَنْفَا سُوْرَةَ فَقَرَأُ » بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ) حَتَّى خَتَمَهَا ، فَلَمَّا قَرَأَهَا قَالَ : هَلْ تَدْرُونَ مَا الْكَوْثَرُ ؟ قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ! قَالَ : فَإِنَّهُ نَهْرٌ وَعَدْنِيهِ رَبِّي عِزٌّ وَجَلٌّ فِي الْجَنَّةِ ، وَعَلَيْهِ خَيْرٌ كَثِيرٌ ، عَلَيْهِ حَوْضٌ تَرْدُ عَلَيْهِ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، أَنْبِئْتَهُ عِدَدَ الْكَوَاكِبِ » أَلْبَانِي فِي (صَحِيحِ أَبِي دَاوُدَ) (4747). یعنی: «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِهِ خَوَابٌ سَبْكِي فَرُو رَفْتَهُ بُوْدُنْدَ سَبَسِ تَبَسْمَكَنَانِ سَرِشَانِ رَا اَزْ خَوَابِ بَالَا نَمُوْدُنْدَ وَ خَطَابِ بِهِ اَصْحَابِ گَفْتُنْدَ: آيَا مِي دَانِيْدَ كِه دَلِيْلِ تَبَسْمِ چِه بُوْد؟ يَا اَصْحَابِ اَزْ اِيْشَانِ دَلِيْلِ تَبَسْمِشَانِ رَا پَرَسِيْدُنْدَ. فَرَمُوْدُنْدَ: هَمِيْنَكِ بَرِ مَنِ سُوْرَهْ اِي نَازِلِ شُد. سَبَسِ بِهِ تَلَاوْتِ اَنِ پَرْدَاخْتُنْدَ تَا سُوْرَهْ رَا خْتَمِ نَمُوْدُنْدَ. سَبَسِ اَزْ اَصْحَابِ خُوْدِ پَرَسِيْدُنْدَ: آيَا مِي دَانِيْدَ كِه كُوْثَرُ چِيْسْت؟ اَصْحَابِ گَفْتُنْدَ: خُدا عِزُّوْجِلِ وَ رَسُوْلُشِ دَانَاتَرُنْدَ. فَرَمُوْدُنْدَ: كُوْثَرُ نَهْرِيْ اسْتِ كِه خُدايِ عِزُّوْجِلِ دَرِ بَهْشْتِ بِهِ مَنِ عَطَا كَرْدَه اسْتِ وَ بَرِ اَنِ خِيْرِيْ اسْتِ بَسِيَارِ، اَمْتَمِ دَرِ رُوْزِ قِيَامَتِ بَرِ اَنِ وَاْرِدِ مِي شُوْنْدَ وَ ظُرُوْفِ اَنِ بِهِ شُمَارَه سَتَارِگَانِ اسْتِ پَسِ بَنْدَهْ اِيْ اَزْ اَنِ رِبُوْدَه مِي شُوْدَ وَ مَنِ مِي گُوِيْم: پَرُوْرْدِگَارَا! اَخْرَاوِ اَزْ اَمْتِ مَنِ اسْتِ. اِمَا بِهِ مَنِ مِي گُوِيْنْدَ: تُو نَمِي دَانِي كِه اَنَانِ بَعْدِ اَزْ تُو چِه پَدِيْدِ اُوْرْدُنْد؟».

كوثر در لغت عرب:

كوثر از خير كثير است، یعنی خیري است که در منتهای بسیاری و فراوانی قرار داشته باشد بنابراین، این کلمه شامل هر خیری می شود که به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عنایت گردیده است، اعم از حوض كوثر و دیگر خیرها وبرکتها. كوثر عطای بزرگی است که پروردگار با عظمت ما به پیامبر ما صلی الله علیه وسلم در قیامت بخشیده است که او و امتش بر آن وارد می شوند. وصف آب كوثر مطابق نصوص به ترتیب است که از به نسبت شیر، سفیدتر، از برف سردتر و از عسل شیرین تر است و از مسک و عطر، خوش بوتر است و آن در نهایت گشایش و وسعت می باشد.

طول و عرض حوض كوثر:

طول و عرض حوض كوثر مطابق روایات اسلامی برابر است هر گوشه از گوشه های آن مسیر یک ماه است. علماء در وصف آب كوثر میگویند که آب آن از جنت می آید. و به اصطلاح آبراه و ناودان آن از جنت کشیده شده یکی از آنها از طلا و دیگری از نقره است و ظرفهای آن که تعداد آن به اندازه ستارگان آسمان است.

شرح آیات:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ: ما به تو خیر فراوان دادیم! روی سخن در تمام این سوره به پیامبر صلی الله علیه وسلم است، مانند سوره والضحی و سوره الم نشرح - و یکی از اهداف مهم هر سه سوره، تسلی خاطر آن حضرت در برابر انبوه حوادث دردناك و زخم زبانهای مکرر دشمنان است.

سورة الكوثر

در این سوره دو خبر غیبی نهفته است:

یکی اینکه: عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مکه معظمه که پیامبر صلی الله علیه وسلم دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت های بسیار بود.

بنابروردگار با عظمت ما با زیبایی خاصی می فرماید «**إِنَّا عَظَمْنَاكَ الْكَوْثَرَ**». (ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم).

«**أَعْظَيْنَا**» به معنای دادیم و بخشیدیم است که این ظرافتی که در «**أَعْظَيْنَا**» وجود دارد اعطاء است و در اعطاء نوعی حرمت برای آن کسی که چیزی را می گیرد وجود دارد و در حقیقت وقتی می خواهند حرمت بگذارند می گویند ما عطا کردیم و نکته دیگر، با اینکه ما می دانیم فاعل **أَعْظَيْنَا** الله است ولی در عین حال این با صیغه جمع به کار رفته به جای اینکه بگوید من به تو این را دادم می گوید ما داده ام که با نوعی حشمت و جبروت و موضع بالا و قدرت همراه است.

«**اعطينا**» طوریکه در فوق یاد آور شدیم عطا به معنای مطلق بخشش است. بخششی که اگر از طرف الله باشد طبیعتاً بخششی بی منت است. و اگر این بخشش از جانب غیر الله باشد، می تواند بی منت باشد و یا هم با منت باشد.

همچنان اگر این بخشش از طرف خداوند باشد در انسان تحول مثبت ایجاد می کند و اگر دهنده غیر خدا باشد، ما هر لحظه باید منتظر تحقیر باشیم، یا منتظر باشیم که پشیمان شود و آن را از ما پس بگیرد. تنها دهنده ای که به خیال آرام و مطمئن به انسان چیزی ارزانی می فرماید فقط پروردگار با عظمت است که: هر چه را که به ما داده است از ما نمی گیرد. ولی متأسف هستیم که کمترین شکران نعمت را هم انسان از خداوند بعمل می آورد. بیشترین تشکر را در رابطه با کسانی دارد که کمترین ها را می دهند و منتظر بیشترین تشکرها هستند.

در تفسیر جلوه های از اسرار قرآن کریم در سورة الكوثر مینویسد:

«**صِغَةً**» **اعطینک**» بتو عطا کردیم این مطلب را میرساند که مراد از کوثر نعمت های است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عملاً داده شده است، نعمت های که پیامبر صلی الله علیه وسلم با تمام وجود خود آنرا احساس می کند، و چنان برایش قابل درک است تذکر و توضیح - نیز ضرورتی احساس نمی شود، اطلاق **الکوثر** بر نعمت های که در اختیار پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می گیرند و یا در بهشت به او عنایت می شود با روحیه سوره و الفاظ آن نمی سازد. «

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ:

یعنی سریع به خاطر آن بخشش کثیر الخیری که به تو عنایت شده تقاضای انجام دو عمل به میان آمده است، اولین عمل این است که برای پروردگار خویش نماز را بر پا دار، و به اصطلاح مفسرین (ارتباط مستقیم با خالقت خویش برقرار کن). دومین خواست اینست که به خاطر نعمت عظمی، که برایت داده شده است قربانی کن. پروردگار با عظمت می فرماید: به شکرانه این نعمت ها خالصانه برای ما بر نمازهای

سورة الكوثر

فرض خویش مداومت کن «و قربانی کن» برای رضای ما و بهنام ما، نه مانند بتپرستان که برای غیر ما قربانی می‌کنند. و کسانی از مشرکان بودند که برای غیر الله نماز گزارده و برای غیروی قربانی می‌کردند لذا خداوند متعال به پیامبرش فرمان داد که نماز و قربانی اش باید خالصانه برای وی باشد.

قتاده، عطاء و عکرمه می‌گویند: مراد از (وَأَنْحَرْ) ادای نماز عید اضحی و ذبح قربانی در آن است. اما ابن‌کثیر می‌گوید: «صحیح آن است که مراد از نحر، ذبح حیوانات هدیه و قربانی در حج و مناسک می‌باشد». ابن‌کثیر در این باره حدیثی را نیز نقل کرده است. وظیفه ای که خداوند متعال برای انسان‌ها در مقابل نعمت‌ها اعطا شده بیان کرده است، شکر نعمت است ولی نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که بین نعمت و تشکر تناسب لازم است، این بدین معنی است هر چه که حجم نعمت بزرگتر و عظیمتر باشد، ضرورت به تشکر بیشتری را می‌نماید.

پروردگار با عظمت ما در این سوره به دادن نعمت کوثر به پیامبر صلی الله علیه اشاره نموده است، «کوثر» وصف است که از «کثرت» گرفته شده، و به معنی خیر و برکت زیاد و فراوان است، بنأ این نعمت عظیم و خیر فراوان، شکرانه عظیم لازم دارد لذا خداوند در مقابل این نعمت دو وظیفه را بردوش پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می‌دهد، و می‌فرماید: «فصل لربک و انحر»؛ اکنون که چنین است فقط برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

ملاحظه می‌فرماید: اولین وظیفه ای که به عنوان تشکر از کوثر قرار می‌گیرد نماز است، نماز جامع ترین و کاملترین نوع عبادت است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود. دومین وظیفه که به عنوان تشکر از کوثر قرار می‌گیرد: نحر کردن است یعنی قربانی است، کلمه «وانحر» از ماده «نحر» است که مخصوص کشتن شتر است و شاید علت آوردن تعبیر «و انحر» به خاطر این است که در میان قربانیها شتر از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و مسلمانان علاقه بسیار به آن داشتند و قربانی کردن شتر بدون ایثار و گذشت ممکن نبود و چون خداوند خواسته بین نعمت (کوثر) و شکر آن تناسب داشته باشد دستور به «نماز» و «کشتن شتر» داده است.

نماز یک نوع عبادت است که برای غیر الله معنا ندارد مخصوصاً با توجه به مفهوم «رب» که حکایت از تداوم نعمت‌ها و تدبیر و ربوبیت پروردگار دارد، زیرا «رب» از کلمه «ربب» به معنای مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند. این دستور خداوند «فصل لربک» در برابر اعمال مشرکان است که برای بُت‌ها سجده و قربانی می‌کردند، در حالی نعمتهای خود را از خدا می‌دانستند. به هر حال تعبیر «لربک» دلیل روشنی است بر لزوم قصد قربت در عبادات.

ارتباط «فصل» با «وانحر» چیست؟

برای اینکه ارتباط بین این دو جمله مشخص شود باید ابتدا به تفسیرهایی که از «و انحر» شده است بپردازیم و در ذیل آن به ارتباط این دو جمله اشاره کنیم:

سورة الكوثر

الف: «نحر» به معنای کشتن شتر به نحو مخصوص است و شاید علت امر به «نحر» بعد از دستور به نماز، اشاره به ارتباط بنده با بندگان بعد از ارتباط بنده با الله باشد؛ یعنی اگر انسان باید با خدا ارتباط داشته باشد نمی تواند ارتباط خودش را با جامعه قطع کند و به فکر فقرا و مستمندان نباشد، بلکه باید هر دو ارتباط را تقویت کند.

ب: منظور از جمله «وانحر» رو به قبله ایستادن به هنگام نماز است، چرا که ماده «نحر» به معنای گلوگاه می باشد، سپس عرب آن را به معنای «مقابله با هر چیز» استعمال کرده است.

در اینجا نیز که خداوند دستور به ایستادن رو به قبله دارد، در واقع به یکی از شرایط نماز اشاره نموده است.

ج: منظور بلند کردن دستها به هنگام تکبیر و آوردن آن در مقابل گلوگاه و روی و صورت است.

دروس آموزنده از آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ»:

- دروس آموزنده که از آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» میتوان استنباط کرد اینست که:
- نعمت ها حتی برای پیامبر اسلام مسئولیت آور است. (اعطیناک ... فصل)
- تشکر باید فوری باشد. (فصل) «حرف فاء برای تسریع است»
- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می داند، دین هم به همان هدایت می فرماید. (فصل لربک و انحر)
- چون عطا از او است (انا اعطینا) تشکر هم باید برای او باشد. (فصل لربک)
- رابطه با الله بر رابطه با خلق مقدم است. (فصل ... و انحر)
- انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت باشد. (فصل لربک و انحر)
- نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد. (لربک)

«**إِنْ شَأْنُكَ هُوَ الْأَبْتَرُ**» (یقیناً دشمن تو دم بریده است.) مفسر تفسیر جلوه های از اسرار قرآن در این مورد می نویسد: از این آیه متبرکه طوری معلوم می شود که این سوره در زمان نازل گردیده است که دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم و یاران او را در مکه به محاصره کشانیده، مقاطعه عمومی علیه آنان اعمال گردیده، رابطه اش را با همه اقوام و قبایل مکه قطع نموده و احساس کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم را از مردم تجرید نموده و راه های نفوذ بین مردم بسته اند، (جلو هها های از اسرار قرآن در تفسیر سوره الكوثر)

همچنان در آیه دو موضوع قابل ذکر است که:

- 1- وجود دو تأکید (إِنَّ وَ هُوَ) نشانه آن است که دشمن و بدخواه تو بدون نسل خواهد ماند
- 2- شائی اسم فاعل است یعنی شامل دشمن گذشته، حال و آینده می شود پس اشاره قرآن فهمیده می شود که دشمن پیامبر در همه زمان ها بدون نسل خواهد بود.

اسباب نزول:

امام سیوطی در کتاب «اسباب النزول» در مورد شأن نزول سوره کوثر می نویسد: «ابن ابوحاتم از سدی روایت کرده است: قریش کسی را که پسرانش فوت می شد آنرا ابتر

سورة الكوثر

و بی پسر می گفت. هنگامی که پسر رسول الله صلی الله علیه وسلم از دنیا رفت. عاص بن وائل گفت: محمد ابتر و بی فرزند شد. پس این کلام خدا نازل شد. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» «ما به تو کوثر را عطا کردیم! پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن! (و بدان) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است».

عبدالرزاق المهدی محقق کتاب مذکور در تعلیقی بر این روایت می گوید: «واحدی با شماره (873) این روایت از یزید بن رومان روایت کرده، و روایت مرسل است اما با حدیث زیر قوی می شود:

بیهقی در «دلائل النبوة» از محمد بن علی (بن حسین بن علی بن ابوطالب) رضی الله عنه مانند این روایت کرده: نام پسر رسول خدا را قاسم گفته است. و از مجاهد روایت می کند: این کلام خدا در مورد عاصی بن وائل نازل شده است که می گفت: من دشمن محمد هستم. طبری 38217 از مجاهد و طبری 38218 و 38219 از قتاده و طبری 38215 و 38216 از سعید بن جبیر به صورت مرسل روایت کرده است. این ها به مجموع قوی هستند».

در تفسیر انوار القرآن تألیف عبد الروف مخلص می نویسد: «در بیان سبب نزول آن روایات دیگری نیز نقل شده است اما مفاد همه آنها این است که مشرکان، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و پیروانشان را ضعیف و حقیر می شمردند و به مرگ اولاد ذکورشان - قاسم در مکه و ابراهیم در مدینه - خوشحال بوده و از درگیر شدن مؤمنان با حوادث سخت یا محنت بار شادمانی می کردند پس این سوره نازل شد تا اعلام کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم نیرومند و پیروز و پیروانشان غالب اند و مرگ فرزندان به هیچ وجه از شأن ایشان کم نمی کند و این دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم اند که در نهایت بلا عقب می باشند زیرا از آنان هیچ نام و آوازه نیکی باقی نمی ماند».

تفسیر سورة کوثر برویت حدیثی انس بن مالک:

أنس بن مالک بن النضر بن ضمضم ملقب به «ابو حمزه»، متولد مدینه منوره از جمله صحابه جلیل القدر اسلامی می باشد که در سنین کودکی به پیامبر اسلام ایمان آورده اندواز جمله خادم رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده و در تعداد زیاد غزوات با رسول صلی الله علیه وسلم اشتراک ورزیده و از جمله محدثین معتبر جهان اسلام اند در مورد تفسیر سوره کوثره می نویسند:

«أغفی رسول الله صلی الله علیه وسلم إغفاءة، فرفع رأسه متبسماً، فإما قال لهم، وإما قالوا له: يا رسول الله لم ضحكت؟ فقال: إنه أنزلت علي أنفا سورة فقرأ (بسم الله الرحمن الرحيم، إنا أعطيناك الكوثر) حتى ختمها، فلما قرأها قال: هل تدرون ما الكوثر؟ قالوا: الله ورسوله أعلم! قال: فإنه نهر وعدنيه ربي عزوجل في الجنة، وعليه خير كثير، عليه حوض ترد عليه أمتي يوم القيامة، أنيته عدد الكواكب» ألبانی در «صحيح أبي داود» (4747). یعنی: «رسول الله صلی الله علیه وسلم به خواب سبکی فرو رفته بودند سپس تبسمکنان سرشان را از خواب برداشتند و خطاب به اصحاب گفتند: آیا می دانید که دلیل

سورة الكوثر

تبسم چه بود؟ یا اصحاب از ایشان دلیل تبسمشان را پرسیدند. فرمودند: همینک بر من سوره‌ای نازل شد.

خداوند به پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» ما به تو خیر فراوان و فضل زیاد داده ایم از جمله آن نهر و حوضی است که خداوند به پیامبرش داده و کوثر نامیده می شود که طول آن به مسافت یک ماه و عرض آن نیز به مسافت یک ماه است و آب آن از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است و ظرف و کیلاس های آن به اندازه ستارگان آسمان زیاد و همان طور درخشان می باشند. هرکس یک بار از حوض کوثر بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد.

وقتی خداوند منت خویش را بر پیامبر بیان کرد، او را به سپاسگزاری نعمت فرمان داد و فرمود: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» «پس برای پروردگارت نماز بگزار» یعنی: ای پیامبر صلی الله علیه وسلم! چنانکه به تو در دنیا و آخرت خیر بسیار داده ایم پس به شکرانه این نعمت‌ها خالصانه برای ما بر نمازهای فرض خویش مداومت کن «و قربانی کن» برای رضای ما و بهنام ما، نه مانند بت پرستان که برای غیر ما قربانی می کنند. و کسانی از مشرکان بودند که برای غیر خداوند قربانی می کردند لذا خداوند عزوجل به پیامبرش فرمان داد که نماز و قربانی اش باید خالصانه برای وی باشد. قتاده، عطاء و عکرمه می گویند: مراد از «وَأَنْحَرْ» ادای نماز عید اضحی و ذبح قربانی در آن است. اما ابن کثیر می گوید: «صحیح آن است که مراد از نحر، ذبح حیوانات هدیه و قربانی در حج و مناسک می باشد». ابن کثیر در این باره حدیثی را نیز نقل کرده است.

«إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»: «بی گمان دشمنت خود ابتر است» یعنی: بدون شک، این دشمن توست که از هر دو خیر دنیا و آخرت بریده، بلا عقب و بی سرانجام است. یا این دشمن توست که از وی بعد از مرگش نام و آوازه نیکی باقی نمی ماند. چنانکه گفتیم؛ در جاهلیت به کسی از مردان که فرزند مذکری نداشت، ابتر می گفتند. حسن بصری رحمه الله می گوید: «مراد مشرکان از ابتر بودن پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که ایشان قبل از آنکه به هدف نهایی خود برسند، در نیمه راه دعوت ناکام می مانند اما خداوند عزوجل در اینجا روشن ساخت که این دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم اند که ناکام و بی نام و نشان می مانند». (مواخذ: تفسیر انوار القرآن، تفسیر علامه عبدالرحمن سعدی، اسباب النزول سیوطی.)

البته مفسرین در معنای کوثر اقوال متفاوتی دارند؛ بعضی با استناد به احادیث صحیحه گفته اند: «نهری در بهشت است» بعضی گفته اند: حوضی در بهشت است، بعضی گفتند: یعنی خیر فراوانی که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده، بعضی گفتند: قرآن و نبوت است، بعضی گفتند: کثرت اصحابی است که خدای متعال آنان را همراه وی کرده است. اما قول بیشتر مفسرین اینست که کوثر یعنی خیر کثیری که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده که از جمله نهر کوثر در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم اعطاء شده است، و دلایل زیادی در تایید این مطلب وارد شده است، مثلاً از عایشه رضی الله عنها در مورد این سخن خداوند متعال که می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» پرسیدند.

سورة الكوثر

گفت: «نَهَرٌ أُعْطِيَهُ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاطِئَاهُ عَلَيْهِ دُرٌّ مُجَوَّفٌ أَنْيَتُهُ كَعَدَدِ النُّجُومِ». (بخاری: 4965)

یعنی: نهري است که به پیامبر شما عطا شده است. و در دو طرف آن، مرواریدهای میان تهی، وجود دارد و تعداد ظروف آن، مانند تعداد ستارگان (زیاد) است. ابن جریر طبری - امام المفسرین، ضمن آنکه تمام اقوال مختلف را در معنای کوثر آورده، در آخر می گوید: با توجه به کثرت روایات از نظر ما کوثر نهري در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عطا شده است.

ابتر کیست؟

علمای علم لغت کلمه ابتر را برگرفته از «بَتَر» به معنای قطع و بریدن می دانند. جوهری «بَتَرْتُ الشَّيْءَ» را به معنای قطع چیزی پیش از پایان یافتن آن و «انبتار» را انقطاع و «سیف باتر» را شمشیر برنده، و «ابتر» را دم بریده و چیز بدون دنباله دانسته است. به گفته راغب، ابتر به حیوان دم بریده، سپس به مناسبت، به کسی که نسلی نداشته باشد تا جانشینش شود، می گویند؛ همچنین بر اساس روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به کلامی که با یاد خدا آغاز نشود، ابتر گویند. ابن منظور هم گفتاری نزدیک به این دو نظر دارد. به روایت ابن عباس و سدی، قریش، به مردی که پسرانش می مردند نیز ابتر می گفت.

کلمه ابتر صرف یک بار آنهم در آیه سوم همین سوره کوثر به کار رفته و در آن دشمن پیامبر صلی الله علیه وسلم معرفی شده است: «إِنَّ شَانِيكَ هُوَ الْأَبْتَرُ = همانا دشمن تو ابتر است».

«شَانِي» زبان شناسان، این کلمه را به مَبْغُض؛ یعنی کینه ورز و متنفر معنا کرده اند، (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق، مصحح، میر دامادی، جمال الدین، جلد 1، صفحه 102، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دار صادر، چاپ سوم، 1414ق) ولی مفسر شهیر جهان اسلام ابن عباس می فرماید که: مراد از این کلمه دشمن می باشد. ولی بر اساس برخی از نقل قول ها اشخاصی خود را «شانی» پیامبر معرفی می کنند و قرآن در جوابشان نیز از همین کلمه را استفاده کرده است: «عاص بن وائل می گفت: من شانی محمد هستم (طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، جلد 30، صفحه 212، بیروت، دار المعرفة، چاپ اول، 1412ق).

پیام های سوره الكوثر:

- 1- بیشترین خیر در کوچکترین سوره قرار داده شده است. (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ)
- 2- در کوچکترین مطلب می توان بیشترین خطاب را قرار داد. (خداوند پنج بار رسولش را مورد خطاب قرار داده است از این پنج مورد، دو مورد امری و دستوری است و سه مورد عادی است.)
- 3- در جایگاه مسئولیت همیشه نباید از خطاب های دستوری استفاده کرد. (سه مورد از خطاب خداوند عادی است.)
- 4- لازمه ی تشکر نعمت های الهی انجام فرائض دینی است. (فَصَلِّ)

سورة الكوثر

- 5- اگر خیر کثیر یا نعمت فراوان به انسان روی آورد یک مقدار آنرا انفاق کند تا دیگران و نیازمندان از آن استفاده کنند. «وَأَنْحَرْ»
- 6- نعمت فراوان بایدخود را در جامعه نشان دهد تا دیگران از آن استفاده کنند. «وَأَنْحَرْ»
- 7- در مقابل راه پیامبر صلی الله علیه وسلم سد شدن نتیجه جزاء ابتر نخواهد داشت.
- 8- درمقابل دشمن در صورتی که قصدتخریب داشته باشدنرمش معنا ندارد «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

ثواب قرائت سوره کوثر:

در ثواب قرائت سوره کوثر حدیثی داریم از پیامبر صلی الله علیه وسلم که می فرماید :
 « کسی که سوره کوثر را قرائت کند، خداوند متعال ، او را از حوض کوثر و هر نهر بهشتی سیراب می گرداند و ده برابر کسانی که در روز عید قربان برای خداوند قربانی می کنند، به ثواب و پاداش عنایت می کند.»

حوض کوثر:

کلمه «کوثر» از «کثرت» است به معنای خیر کثیر. کوثر، حوضی است در بهشت یا صحرای محشر که خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم عطا کرده است و مؤمنان هنگام ورود به بهشت از آب آن سیراب می شوند.
 مفسرین در معنای کوثر اقوال و روایات مختلف و متفاوتی را روایت فرموده اند ، برخی از مفسرین با استناد به احادیث صحیحہ گفته اند که « کوثر » : «نهری در بهشت است»
 برخی دیگر از مفسرین می فرمایند « کوثر » حوضی است در بهشت، برخی دیگری می فرمایند همینکه خیر فراوانی که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده، همین حوض کوثر است، برخی از مفسرین بدین عقیده اند که کوثر : قرآن عظیم الشان و نبوت است،
 و بعضی دیگر از مفسرین بدین عقیده اند که : کثرت اصحابی است که خدای متعال آنان را همراه وی کرده است.

ولی اکثریت مفسرین بدین عقیده هستند که کوثر یعنی خیر کثیری که نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شده که از جمله نهر کوثر در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم اعطاء شده است، و دلایل زیادی در تایید این مطلب وارد شده است، از جمله حدیثی داریم از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها در مورد این سخن خداوند متعال که می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» پرسیدند. گفت: «نَهْرٌ أُعْطِيَ نَبِيُّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاطِئَاهُ عَلَيْهِ دُرٌّ مُجَوَّفٌ آيَتُهُ كَعَدَدِ النُّجُومِ». (بخاری: 4965)

یعنی : نهری است که به پیامبر شما عطا شده است. و در دو طرف آن، مرواریدهای میان تهی ، وجود دارد و تعداد ظروف آن، مانند تعداد ستارگان (زیاد) است.»
 ابن جریر طبری - امام المفسرین در معنای کوثر مینویسد : کوثر نهری در بهشت است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عطا شده است.

خداوند متعال با اعطای حوض بزرگ و بسیار وسیعی که آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و بویش از بوی مشک خوشبو تر است، از بنده و فرستاده اش، محمد صلی الله علیه وسلم اکرام و تجلیل می کند. کیلاس های آن حوض مانند ستاره های آسمان فراوان

سورة الكوثر

هستند. آب پاکیزه‌ی آن از رود کوثر وارد این حوض می‌شود، همان رود کوثری که خداوند آن را در بهشت به محمد صلی الله علیه وسلم اختصاص داده است. امت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بر این حوض وارد می‌شوند، هرکس یک مرتبه از آب این حوض بنوشد، دیگر تا ابد تشنه نخواهد شد. در باره محل وقوع این حوض علما اختلاف نظر دارند، امام غزالی و قرطبی بر این عقیده هستند که این حوض پیش از عبور کردن از پل صراط در میدان محشر قرار دارد و بر این مدعا چنین استناد کرده‌اند که بعضی از وارد شوندگان بر این حوض به دوزخ فرستاده می‌شوند، و اگر این حوض بعد از (پل صراط) می‌بود برگرداندن بعضی از آنجا به دوزخ ممکن نمی‌بود. «تذكرة»: 302.

علامه ابن حجر دیدگاه امام بخاری را چنین نقل کرده است، که حوض کوثر بعد از (پل صراط) است، به دلیل اینکه امام بخاری احادیث مربوط به حوض را بعد از بیان احادیث (پل صراط) و شفاعت آورده است. فتح الباری: (466/11) البته دیدگاه امام قرطبی صحیح تر است. ابن حجر رحمه الله دلایل هر دو گروه را در کتاب ارزشمند خود «فتح الباری» آورده است.

احادیثی وارده در مورد حوض کوثر:

احادیثی را که خطیب تبریزی آنها را در مشکاة خود آورده است، غرض توضیح مساله خدمت خوانندگان محترم تقدیم میدارم:

1- بخاری و مسلم از عبدالله بن عمرو بن العاص روایت می‌کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حوضی مسیره شهر، وزوایاه سواء. ماؤه أبيض من اللبن، وريحه أطيب من المسك، وكيزانه كنجوم السماء، من يشرب منها فلا يظمأ أبداً». (وسعت حوضم به مسافت یک ماه است، آبش از شیر سفیدتر و از مشک خوشبوتر و کوزه‌هایش به اندازه ستارگان آسمان است. هرکس یک بار از آن بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد).

2- ابوهریره از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که فرمودند: «إن حوضی أبعد من أيلة من عدن لهو أشدُّ بياضاً من الثلج، وأحلى من العسل باللبن، ولأنیته أكثر من عدد النجوم، وإنی لأصد الناس عنه كما یصد الرجل إبل الناس عن حوضه، قالوا: یا رسول الله! أتعرفنا یومئذ؟ قال: "نعم لكم سیماء لیست لأحد من الأمم، تردون علی غراً محجلین من أثر الضوء». رواه مسلم

یعنی: مسافت حوضم بیشتر از مسافت ایله تا عدن است. از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر است، و ظرف‌هایش از تعداد ستارگان بیشتر است. من مردم را پس می‌زنم همانطوری که انسان شتران دیگران را از حوضش دور می‌سازد، گفتند: ای رسول خدا الله صلی الله علیه وسلم! آیا ما را در آن روز خواهی شناخت؟ فرمود: آری، چهره‌های شما با دیگران متفاوت است. شما با چهره‌ای نورانی و دست و پایی درخشان، بر اثر وضو بر من وارد می‌شوید.

3- در روایاتی دیگر از حضرت انس رضی الله عنه چنین آمده است که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تری فیهِ أباریق الذهب والفضة كعدد نجوم السماء». یعنی: تعداد آفتابه

سورة الكوثر

های طلایی و نقره‌ای به اندازه‌ی ستاره‌های آسمان می‌باشند.

4- در روایتی دیگر از حضرت ثوبان چنین آمده است: درباره آب آن سؤال شد؟ رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أشدّ بياضاً من اللبن، وأحلى من العسل يغت فيه ميزابان يُمدّانه من الجنة، أحدهما من ذهب والآخر من ورق». یعنی: آبش از شیر سفیدتر است، از عسل شیرین‌تر است، دو میزاب (آب راهه) که از بهشت سرچشمه گرفته و یکی از طلا و دیگری از نقره است به آن می‌ریزند.

چه کسانی وارد حوض کوثر و چه کسانی از آن رانده می‌شوند؟

احادیث زیادی پیرامون کسانی که وارد حوض می‌شوند یا از حوض رانده می‌شوند، وارد شده است، که برخی از این روایت عبارتند از :

- بخاری و مسلم از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ليردن على الحوض رجال ممن صاحبني، حتى إذا رأيتهم، ورفعوا إليّ، اختلجوا دوني، فلاقولن: أي رب، أصحابي، أصحابي، فليقالن لي: إنك لا تدرى ما أحدثوا بعدك». یعنی: افرادی از آنان که در دنیا با من همراه بودند، نزد من بر حوض آورده می‌شوند و وقتی که به من نشان داده می‌شوند، من آنان را می‌بینم، و بعد به سرعت از پیش من ربوده می‌شوند، من به ندا در می‌آیم و می‌گویم: پروردگارا! اینان از امتم هستند. گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟

- بخاری و مسلم از طریق ابی‌حازم از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أنا فرطكم على الحوض، من ورد شرب، ومن شرب لم يظمأ أبداً، وليردن على أقوام أعرفهم ويعرفونني، ثم يحال بيني وبينهم، قال أبو حازم: فسمع النعمان بن أبي عياش وأنا أحدثهم هذا الحديث، فقال: هكذا سمعت سهلاً يقول؟ قلت: نعم، قال: وأنا أشهد على أبي سعيد الخدري لسمعتة يزيد، فيقول: فإنهم مني، فيقال: إنك لا تدرى ما أحدثوا بعدك، فأقول: سحقاً سحقاً لمن بدل بعدى».

یعنی: من در حوض بر شما پیشی می‌گیرم. هرکس بر من گذرد از آن می‌نوشد و هر کس بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد. گروهی که من آنها را شناخته و آنها نیز مرا می‌شناسند می‌خواهند بر من وارد شوند، ولی از ورودشان جلوگیری می‌شود».

ابوحازم گوید: نعمان بن ابی‌عیاش این حدیث را از من شنید و به من گفت: آیا واقعاً اینگونه از سهل شنیده‌ای؟ گفتم: آری. گفت: گواهی می‌دهم که من این حدیث را از ابوسعید خدری شنیده‌ام که اینگونه آن را ادامه داد: «می‌گویم: اینان از امتم هستند. گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنها بعد از تو چه کارها کرده‌اند؟ می‌گویم: نابود باد، کسی که بعد از من منحرف شده است».

در روایت بخاری آمده است که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «بینما أنا قائم على الحوض، إذا زمرة، حتى إذا عرفتهم خرج رجل من بيني وبينهم، فقال: هلم، فقلت: إلى أين؟ فقال: إلى النار والله، فقلت: ما شأنهم؟ فقال: إنهم قد ارتدوا على أديبارهم القهقري، ثم إذا زمرة أخرى، حتى عرفتهم خرج رجل من بيني وبينهم فقال لهم: هلم، قلت: إلى أين؟ قال: إلى النار والله، قلت: ما شأنهم؟ قال: إنهم قد ارتدوا على أديبارهم، فلا أراه يخلص منهم إلا

سورة الكوثر

مثل همل النعم». یعنی: در حالی که بر حوض کوثر ایستاده‌ام، ناگهان دسته‌ای را می‌بینم، اما بعد از اینکه آنها را می‌شناسم، شخصی میان ما و آنها بیرون می‌آید و می‌گوید: حرکت کنید. می‌گویم: آنها را به کجا می‌برید؟ می‌گوید: به خدا سوگند آنها را به میان آتش سوق می‌دهم. می‌گویم: مگر آنها چکار کرده‌اند؟ می‌گوید: آنها از دین و آیین پشت کردند و مرتد شدند، سپس ناگهان دسته‌ای دیگر را می‌بینم، اما بعد از اینکه آنها را می‌شناسم، شخصی میان ما و آنها بیرون می‌آید و می‌گوید: حرکت کنید. می‌گویم: آنها را به کجا می‌برید؟ می‌گوید: به خدا سوگند آنها را به میان آتش سوق می‌دهم. می‌گویم: مگر آنها چکار کرده‌اند؟ می‌گوید: آنها از دین و آیین پشت کردند و مرتد شدند، در میان آنها کسی را نمی‌بینم که باقی گذارده شود، مگر اینکه همانند حیوانی رها شده باشد.

امام قرطبی بعد از ذکر احادیث فوق در کتاب «التذکرة» می‌گوید: دانشمندان اسلامی راجع به احادیث مربوط به حوض گفته‌اند: تمامی کسانی که از دین برگشته‌اند و مرتد شده‌اند، یا اینکه بدعت‌هایی در دین به وجود آورده‌اند که خداوند بدان راضی نیست و بدان اجازه نداده، تمامی اینها از ورودشان به حوض جلوگیری می‌شود و از آن رانده می‌شوند، اما کسانی که به شدت با آنها برخورد می‌شود و هرگز اجازه داده نمی‌شود که به حوض نزدیک شوند کسانی هستند که از جماعت مسلمانان جدا گشته و راهی دیگر را برگزیده‌اند، امثال فرقه‌های گوناگون خوارج، روافضیه‌های گمراه و معتزلیه‌هایی که از هوی و هوس تبعیت کرده‌اند، تمامی اینها دین خدا را تغییر داده‌اند.

و همچنین ستمکارانی که در حد وفوری ستم روا داشته‌اند و در راستای خاموش کردن حق و قتل پیروان حق و آزار دادنشان قدم برداشته‌اند، و کسانی که به آشکارا گناهان کبیره را انجام داده‌اند و گناه را دست کم گرفته‌اند و با انحراف و بدعت و هوای نفسی روبرو شده‌اند، تمامی اینها نیز از حوض رانده می‌شوند.

لازم به ذکر است که اگر تنها در اعمال مرتکب گناه شده باشند، اما دارای عقیده‌ای صحیح باشند برای مدتی از حوض منع می‌شوند، سپس بعد از مغفرت الهی بر اثر نور وضویی که بدان شناخته می‌شوند به آنها اجازه‌ی ورود به حوض داده می‌شود، و اگر از منافقان عصر پیامبر الله صلی الله علیه وسلم باشند که ایمان را اظهار می‌داشتند و در نهان کفر را دنبال می‌کردند، در قیامت به ظاهر آنها را با خود برمی‌دارند، سپس سرپوش را برای آنها کنار می‌زنند و خطاب بدانها گفته می‌شود: دور شوید، دور شوید.

لازم به یادآوری است که جز کسانی که به اندازه‌ی دانه گندمی از ایمان در دلشان نیست و هر حقی را انکار نموده و از باطل پیروی نموده، کسی در دوزخ باقی نمی‌ماند.

«التذکرة»: (صفحه 306).

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

سورة الكوثر

فهرست مطالب:

- معلومات مؤجز
- معانی کلمه ها
- علل نام گزاری سورة کوثر
- وجه تسمیه
- کوثر در لغت عرب
- طول و عرض حوض کوثر
- شرح آیات
- شان نزول
- تفسیر سورة کوثر به رویت حدیثی انس بن مالک :
- ابتر کیست؟
- پیام های سورة الكوثر
- ثواب قرائت سورة کوثر
- حوض کوثر
- احادیثی وارده در مورد حوض کوثر
- چه کسانی وارد حوض کوثر و چه کسانی از آن رانده می شوند؟

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف واسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library